

روزنامه‌ی بخارای شریف

روزنامه‌ی بخارای شریف، نخستین روزنامه به زبان فارسی (تاجیکی) در آسیای میانه بود که در ۱۱ مارس ۱۹۱۲ در شهر تاریخی بخارا، مرکز علم و فرهنگ تاجیکان، آغاز به نشر کرد.



امارت بخارا که پایتخت آن بخارا بود همراه با شهر با اهمیت آن سمرقند در پی لشکر کشی روس‌ها در ۱۸۷۳ تحت‌الحمایه روسیه قرار گرفت. در پی حمله پیروزمندانه بلشویک‌ها در ۱۹۲۰ به امارت بخارا، جمهوری خلق شوروی بخارا تأسیس شد. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی و سربرآوردن جمهوری مستقل تاجیکستان در ۱۹۹۱ سالروز تأسیس روزنامه‌ی بخارای شریف، در ۱۹۹۵ به عنوان روز مطبوعات تاجیکستان اعلام شد و همه ساله از آن تجلیل می‌شود.

روزنامه‌ی بخارای شریف می‌نویسد: ... به همت ملت پسندانه چند نفر معارف‌پرور و ترقی‌خواهان روزنامه‌ی بخارای شریف به زبان رسمی بخارا که فارسی است، تأسیس شده ... برای ۹-۱۰ میلیون نفر ... همین یک روزنامه است و فقط^۱ تجدیدگرایان و نواندیشان بخارائی را فضای عمومی منطقه از یکسو و اوضاع و احوال سیاسی نسبتاً آرام قبل از جنگ جهانی اول از سوی دیگر واداشت که به منظور آگاه ساختن مردم بخارا از اوضاع جهان، منطقه و کشور و تحقق اصلاحات در امارت بخارا، به نشر و تبلیغ منظم دیدگاه و اندیشه‌های خود در میان مردم بپردازند. از این رو آنها به تأسیس روزنامه دست یازیدند.

جریان تأسیس

میرزا محی‌الدین و میرزا سراج‌الدین که هر دو از پیشگامان جنبش تجدیدخواهی بودند و به نقش روزنامه در امر بیداری و تشکل جوانان بخارا و امر پیشبرد اصلاحات و تجدید به خوبی آگاه بودند، برای به دست آوردن روزنامه برنامه‌ای دقیق طرح ریزی کردند.

ق. ل. لیوین، یهودی بخارائی و بازرگان شناخته شده‌ی پنبه به نمایندگی روسیه در بخارا برای دریافت امتیاز نشر روزنامه مراجعه وادعا کرد که برای آشنا ساختن مردم بخارا با سیاست روسیه و نیز افزایش محصول پنبه، که صنایع بافندگی روسیه به آن نیاز جدی داشت، تأسیس یک روزنامه ضروری است.

تجدیدخواهان بخارا برای اطمینان خاطر نمایندگی روسیه، حیدر خواجه میربدل مترجم سفارت روسیه در بخارا را به عنوان مدیر روزنامه تعیین کردند و میرزا جلال یوسفزاده را که با روزنامه‌نگاری آشنایی نزدیک داشت، از قفقاز دعوت کردند.

امیر بخارا براساس تقاضای سفارت روسیه به "ق. ل. لیوین" و "حیدر خواجه میر بدل" اجازه نشر روزنامه را داد و به این ترتیب روزنامه‌ی بخارای شریف، نخستین نشریه بخارائی به کوشش جدیدی‌ها به زبان فارسی در ۱۱ مارس ۱۹۱۲ در بخارا چاپ شد.

گردانندگان

نقش فعالان جنبش جوان بخارانیان (جدیدی‌ها) در نوشتن مقاله‌ها برجسته است اما بنابر جو حاکم سانسور و استبدادزدگی جامعه، تعداد زیادی از مقاله‌ها به نام مستعار نشر می‌گردید. گردانندگان روزنامه‌ی بخارای شریف با

در نظر داشت اینکه ورود و پخش روزنامه‌های فارسی زبان در قلمرو بخارا ممنوع بوده است، اما این روزنامه‌ها به دست شان می‌رسید و مطالب آن را در صفحه‌های روزنامه انعکاس می‌دادند، اما به آنها استناد نمی‌کردند. خط فکری و مرامی روزنامه کمتر رنگ سیاسی و انقلابی بیشتر جنبه اجتماعی، فرهنگی و اصلاح‌طلبانه دارد. به طور کل همه شماره‌های روزنامه دارای سرمقاله بوده و در صفحه اول روزنامه عمدتاً به امضای مدیر آن درج شده است. البته با توجه به اینکه روزنامه بخارای شریف یگانه روزنامه فارسی در آسیای میانه بود، اخبار آن به طور کلی تازگی داشت. در برخی از شماره‌های روزنامه گزارش‌های جالبی نیز چاپ گردیده است.

موضوعات اصلی

ستون‌های روزنامه بیشتر به نوشته‌ها در رابطه با امور معارف، کشاورزی، آبیاری، پنبه‌کاری، پبله‌وری، بهداشت و بازرگانی و سایر مسایل با اهمیت اجتماعی اختصاص داده شده است. نامه‌های منتشرشده‌ی خوانندگان روزنامه عمدتاً روح انتقادی و اصلاحی دارد. داستان‌های ل. تولستوی از زبان روسی به فارسی روان ترجمه شده و در شماره‌های پیوسته‌ی روزنامه اقبال نشر یافته است.

نوشته‌ها در باره اهمیت و نقش زبان فارسی و همچنین آموزش دستور زبان فارسی در صفحه‌های روزنامه جایگاه ویژه‌ای دارد. نثر فارسی روزنامه آمیزه‌ای از فارسی کهن و فارسی متعارف در ایران و افغانستان با لهجه‌های تاجیکی بخارانی بوده و متأثر از هجوم واژه‌های روسی، ترکی و عربی می‌باشد. اشعار فارسی در صفحه‌های روزنامه به ندرت انعکاس می‌یابد. به بهره‌گیری از طنز، لطیفه و کاریکاتور توجه نشده است. نوشته‌هایی در باره نقش و مقام زن در صفحه‌های روزنامه به چشم نمی‌خورد.

به طور کلی، همه‌ی شماره‌های روزنامه دارای سرمقاله می‌باشد، که در آنها مسایل مهم اجتماعی همراه با نظر دست‌اندرکاران روزنامه بازتاب یافته است. اندیشه‌ها و دیدگاه‌های روزنامه قبل از همه متأثر از "نهضت جدیدیه" ماوراءالنهر و جنبش تجدیدخواهی منطقه در همان دوره می‌باشند. از این‌رو، آشنا شدن با محتوای سرمقاله‌های روزنامه بخارای شریف، از یکسو در امر شناخت اندیشه‌ها و دیدگاه‌های گردانندگان روزنامه، که بازتاب دهنده نظریات روشنفکران بخارا می‌باشند، کمک می‌کند و از سوی دیگر در امر شناخت مسایل جدی مطروحه در همان دوره. مسلماً هر دو نکته‌ی فوق برای پی بردن به اوضاع و احوال و مناسبات اجتماعی - سیاسی آن دوران امارت بخارا با اهمیت است. از این‌رو نگارنده سرمقاله‌های روزنامه را برحسب درونمایه آنها طبقه بندی نموده و بر اساس آن، فشرده‌ای از محتوای آنها را در ذیل ارائه نموده و به بررسی آنها پرداخته است.

سرمقاله‌های روزنامه "بخارای شریف" عمدتاً به موضوعات زیرین پرداخته است:

در باره تعمیم علوم، ترویج معارف، گشایش و اصلاح مکاتب و مدارس، بهبود امور کشاورزی، آبیاری، باغداری، دامپروری و ترقی اقتصادی، توجه به حقوق و وظایف حکومت و رعایا، اصلاح اداره امارت بخارا، مبارزه علیه جهل، خرافه‌پسندی و عادات ناپسند، در باره بهبود امور بهداشتی، در باره رابطه دین و مذهب و وحدت جهان اسلام و . . .

علم و معارف

یکی از اهداف جدی و برجسته محافل و گروه‌های روشنفکر و اصلاح طلب در منطقه و از جمله ماوراءالنهر در آن زمان تعمیم علوم، گسترش معارف و گشایش مکاتب و مدارس بود. معارف‌پروری در بخارا دارای پیشینه‌ی قدیمی است. روشنفکران بخارا در پایان سال ۱۹۱۰ جمعیت مخفی ای به نام "تربیه اطفال"² تأسیس کردند که هدف اساسی آن ترویج معارف جدید بود. "در مدارس قدیمی آسیای میانه دروس بیشتر گفتاری بود و در زمینه‌ی نوشتاری تنها به خطاطی و نوشتن دروس دینی، تجوید . . . و آموختن تفسیر و فقه اکتفا می‌نمودند."³

به طور کل مدارس وضع ناپسامانی داشت و تعداد با سوادان و شاگردان مدارس اندک و امر فراگیری علوم محدود بود. روزنامه امر تعمیم علم و اشاعه معارف و گشایش مدارس را یک امر "دینی و ملی" می‌داند و نقش آنها را در بیداری مردم و مجاهدت علیه جهل، خرافه‌پسندی و انکشاف جامعه برجسته می‌سازد. روزنامه در این راستا نه تنها خوانندگان خویش را تشویق به آموختن علوم طبیعی و اجتماعی و اشاعه معارف و اصلاح مدارس می‌کند، بلکه در این زمینه پیشنهادها را مشخصاً برای امیر بخارا و دستگاه اداره‌ی آن و گروه‌های روشنفکری امارت بخارا ارائه می‌کند. یک ششم صفحه‌های روزنامه صرف نشر همین مسئله می‌شود.

روزنامه در شماره ۱۳۹ در مقاله بلندی زیر عنوان "اصول جدید چگونه است؟" آن را "به مثابه‌ی قاعده تازه که مکتب پچهگان را به طرزی دیگر تعلیم می‌دهد." معرفی می‌کند. فعالیت روشنفکران بخارا برای پیاده نمودن "اصول جدید"⁴ در مکتب‌ها موجب شد که این حرکت را "جدیده" و هواخواهان آن را "جدیدی‌ها" بنامند. جدیدی‌ها متعلق به نسل دوم معارف‌پروران بخارا هستند.

در هر صورت مسأله‌ی محوری برای جدیدی‌ها مسئله معارف بود. آنها می‌خواستند که در مکتب و مدرسه تاریخ و جغرافیا، حساب و علوم طبیعی تدریس شود. آنها تأکید داشتند که بدون این علوم پیشرفت جامعه امکان‌پذیر نیست.

کشاورزی

از آنجایی که اکثریت مردم آسیای‌میانه به امور کشاورزی، پخته‌کاری (کشت پنبه)، پیلهوری، باغداری، دامپروری و تولید پوست قره‌قل، بافتن قالی و گلیم و پرورش گل مشغول بودند و جامعه ماوراءالنهر اساساً یک جامعه زراعتی بود، از این‌رو یکی از جهات با اهمیت نشریات روزنامه‌ی بخارای شریف پرداختن به مسایل فوق بوده است.

زمین و آب در حیات مردم آسیای‌میانه از جمله بخارا نقش کلیدی داشته و دارد. دهقانان در آن سال‌ها به غیر از کمبود وسایل کشاورزی و تخم بذر، پیوسته با کمبود جدی آب مواجه بوده‌اند. از همین جاست که نقش میرآب‌باشی کمتر از نقش کدخدای رباخوار و ملای ده در زندگی روستاییان نیست. بخارای شریف رباخواری را در روستا نقد می‌کند و آنرا مانع در امر پیشرفت کشاورزی و دامداری می‌داند و به منظور کمک به دهقانان و تهیدستان تأسیس "بانک دهقانی"⁵ را با بهره‌ی پایین پیشنهاد می‌کند.

فساد و رشوه

در قلمرو امارت بخارا ظلم و استبداد، رشوه‌خواری و چپاولگری بیداد می‌کرد؛ از قانون خبری نبود و اداره امیر فعال مایشاء بود. در واقع رابطه بین دولت و مردم رابطه بین حاکم و رعایا و بین آمر و مادون بود. در چنین اوضاعی، روزنامه تلاش دارد اجرای اصلاحات را در دستگاه امارت ترغیب کند و جامعه را به سوی قانون‌گرایی سوق بدهد.

عقب‌ماندگی جامعه، سطح پایین سواد و قبل از همه سرشت نظام مستبد امیران بخارا پاره‌ای از سنت‌های ناپسند و عادات مضر را در جامعه ایجاد کرده بود، که گروه‌های وسیعی از مردم به آن باور داشتند. این باورهای خرافی به مثابه‌ی نیروی سخت جان به عنوان مانع در راه مدرنیزاسیون و رشد جامعه عمل می‌کردند. امیر و ملاهای محافظه‌کار سعی می‌نمودند که مردم عادی را در جهل و خرافه‌پسندی نگهدارند.

روزنامه بارها توجه مردم را به ترک سنت‌ها و عادات ناپسند در زمینه تداوی و عدم رعایت امور بهداشتی جلب می‌کند و آنها را به نظافت منزل، کوچه و استفاده از آب نوشیدنی و . . . ترغیب می‌نماید.

مباحثه پیرامون علم، دین، تمدن و تجدد در نوشته‌های روزنامه بخارای شریف جایگاهی برجسته دارد. دست اندرکاران روزنامه بخارای شریف با در نظر داشت جو سانسور و خفقان در نشر افکار تجددگرایانه و آزادیخواهانه جانب احتیاط را مراعات می‌نمودند؛ تا از یکسو با حکمران روسیه‌ی تزاری در ترکستان و از سوی دیگر، با هیأت حاکمه امارت به رهبری امیر بخارا و روحانیون محلی درگیر نگردند. اما از شماره‌های نودم به بعد آرام، آرام خط سیاسی و ملی روزنامه پررنگ می‌شود.

مسئله ملت

روزنامه‌ی بخارای شریف واژه دولت - ملت را به هیچ وجه به مفهوم اروپایی آن به کار نمی‌برد. باشندگان بخارا، صرف نظر از قوم و ملیت‌شان خود را بخارائی یا ملت بخارا یا امت مسلمان می‌خواندند و کلمه‌ی ملت را بیشتر برای غیر مسلمانان مورد استفاده قرار می‌دادند. این روس‌ها بودند که با حضور خویش در منطقه، از جمله در بخارا، موجب گسترش این مفاهیم به معنای اروپایی آن در سرزمین‌های چندقومی آسیای‌میانه شدند. روشنفکران پان‌ترکیست‌ها، پان‌اسلامیست‌ها و بلشویک‌ها، . . . سرزمین آسیای‌میانه را حوزه جالب و مهمی برای پخش اندیشه‌های ملیت‌گرایانه خویش یافتند.

گرداندگان روزنامه، با در نظر داشت فضای اختناق و استبداد خشن امیرعالم خان و حضور روسیه تزاری در آسیای‌میانه از یکسو و نفوذ و جذبه‌ی دین اسلام از سوی دیگر، سعی می‌کند که از زاویه دین اسلام، به طور غیرمستقیم، از یک سو امیر و اداره‌ی فعال فاسدش را همراه با حضور روسیه‌ی تزاری مورد انتقاد و حمله قرار بدهند؛ از سوی دیگر با حربه‌ی دین اسلام، بیداری مردم و تشکل آنها را به دور برنامه‌ی اصلاحات تأمین نمایند. پرچم اسلام و وحدت جهان اسلام

برای تجدیدگرایان و آزادیخواهان، ملی‌گرایان و اصلاح‌طلبان بخارا در آن اوضاع و احوال پیش از همه به مفهوم احیای هویت ملی، تأمین استقلال کشور و اجرای اصلاحات است. سراسر صفحات روزنامه‌ی *بخارای شریف* مشحون از این امر است. بدین ترتیب، روزنامه تلاش می‌کند گرد و غباری را که در نتیجه‌ی دست‌اندازی‌های استیلاگران بروی فرهنگ کهن منطقه نشسته است، بزداید.

یکی از شیوه‌های شناخته‌برای بیان افکار و اعتراض علیه دشواری‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی، بیش بردن مناظره، دیالوگ، پرسش و پاسخ در صفحه‌های روزنامه‌هاست. روزنامه‌ی *بخارای شریف* از این سبک استفاده نموده است.

زبان فارسی

روزنامه در امر پاسداری و رشد زبان فارسی و تدریس دستور زبان نهایت توجه را مبذول می‌دارد. روزنامه به بحث وسیع در زمینه‌ی زبان فارسی و اصلاح آن می‌پردازد و از خوانندگان نیز دعوت می‌کند که در این بحث‌ها شرکت کنند. زبان و ادب فارسی دری (فارسی) ریشه قدیمی دارد، پیش از اسلام وجود داشته، سرزمین‌های خراسان و ساوراءالنهر زادگاه، پرورشگاه و تجلی‌گاه آن می‌باشند. زبان فارسی (فارسی دری)، با مرور زمان، نه تنها به رایج‌ترین و همگانی‌ترین زبان این خطه تبدیل گردید، بلکه حلقه تفاهم و وصل بین اقوام و قبایل مختلف شد. زبان فارسی، بنابر استعداد و توانایی که داشت، زبان رسمی، علمی و بازرگانی در حوزه وسیع گردید یعنی زبان مشترک و عمومی برای تمام سلاله‌های آسیای‌میانه از هر تیره و تبار که بوده‌اند و همچنین از اقصای هند تا روم، اسناد و نامه‌های رسمی و دولتی به این زبان نوشته می‌شد. مختصر اینکه زبان فارسی به عنوان زبان بین‌المللی تمام این نواحی تبدیل گردید. روزنامه تأکید دارد که زبان فارسی، تاجیکی و دری یک زبان واحد با سه لهجه است. تفاوت آنها با هم دیگر از نقطه نظر ریشه‌ای و منشأ نیست.

جریان توقیف

روزنامه *بخارای شریف*، در نبود نظام مطبوعاتی و قانون مطبوعات، یعنی در فضایی که دستور و فرمان امیر بخارا قانون است، فعالیت می‌نمود. عمده‌ترین دشواری فعالیت گردانندگان روزنامه و روشنفکران بخارا جو حاکم نظام مستبد، فضای اختناق و سانسور امیر بخارا و حکمران امپراتوری روسیه در آسیای‌میانه بود.

زمزمه‌های آزادی‌خواهی، دادخواهی، تمدن‌خواهی، و اصلاح‌خواهی روزنامه‌ی *بخارای شریف* به تدریج راه خود را در میان گروه‌هایی روشنفکری و بدنه‌ی جامعه باز نمود و نقش موثری در امر رشد و انکشاف افکار اجتماعی - سیاسی و تشکل آنها دور یک برنامه‌ی اصلاح‌طلبانه بازی نمود. حاکم خود کامه بخارا، آخوندهای محافظه‌کار و استعمار روس افزایش نقش و تأثیر گذاری روزنامه را به حال خود مضر و خطرناک تلقی نمودند و از آگاه شدن مردم بخارا نسبت به سرنوشت تاریخی و اجتماعی شان و مطلع شدن آنها از تحولات جهان و منطقه ترسیدند، بنابراین، تصمیم گرفتند که انتشار روزنامه‌ی *بخارای شریف* را برای همیشه توقیف نمایند. در پایان دسامبر ۱۹۱۲ نمایندگی سیاسی روسیه‌ی تزاری در ترکستان از امیر بخارا تقاضا کرد که روزنامه‌ی *بخارای شریف* را تعطیل کند. البته امیر این تقاضا را با گرمی و مسرت پذیرفت.

به تاریخ ۲ ژانویه سال ۱۹۱۳ پیتروف، نماینده‌ی روسیه در بخارا، از طرف امیرعالم خان امیرامارت بخارا نامه‌ی تهدید آمیزی به سردبیر روزنامه‌ی *بخارای شریف*، میرزا جلال یوسف زاده نوشت^۶ که در آن چنین حکم صادر گردیده بود: "موافق خواهش اعلیضرت امیر بخارا از همین روز اعتباراً نشر *بخارای شریف* ... ممنوع می‌شود."^۷ بدین ترتیب روزنامه‌ی *بخارای شریف* پس از نشر ۱۵۳ شماره در ۲ ژانویه ۱۹۱۳، با تقاضای نمایندگی سیاسی روسیه‌ی تزاری و توافق امیرعالم خان، امیر بخارا برای همیشه تعطیل شد.^۸

روشنفکران و تجدیدخواهان بخارا در تمام دوره حاکمیت امیر بخارا دیگر امکان نیافتند که روزنامه‌ی *بخارای شریف* را احیا کنند و یا امتیاز نشریه دیگری را به دست آورند. بعد از تأسیس حاکمیت شوروی در بخارا، طی هفت دهه، ده‌ها روزنامه و مجله در آسیای‌میانه و بخارا به زبان فارسی (تاجیکی) منتشر شد، اما همه تلاش‌های فرهنگیان بخارا برای احیای روزنامه‌ی *بخارای شریف*، بنابر دلایل سیاسی به شکست انجامید.

در فرجام

همین ۱۵۳ شماره‌ی روزنامه‌ی *بخارای شریف* اسناد ارزشمند اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن روزگار است، که درون‌مایه اندیشه‌های مطروحه در آن عمدتاً بر محور تجدیدطلبی و قانون‌گرایی استوار بود و در امر بیداری ملی، سیاسی و فرهنگی و تقویت روحیه‌ی خودشناسی و استقلال‌خواهی و احیای هویت ملی و اسلامی مردم بخارا به ویژه جوانان، خدمات

ارزنده‌ی انجام داده. روزنامه موفق شد که دیدگاه‌های عالمان دینی را به روی صفحه‌های روزنامه بکشاند و در معرض قضاوت خوانندگان قرار بدهد.

از لایبلی صفحات روزنامه معلوم می‌گردد که: اهداف خط فکری گردانندگان روزنامه اصلاح نظام است نه براندازی حاکمیت خود کامه امیر. روزنامه روی خط ماجراجویی و معامله گری، تندروی و مداح‌گری حرکت نمی‌کند. در آغاز بار سیاسی روزنامه کم رنگ و معتدل و بار فرهنگی - اجتماعی آن پررنگ تر بود، اما آرام آرام بار سیاسی روزنامه بیشتر گردید. قلم به داستان، ادیبان و نویسندگان، با نوشتن مقاله، خبر، سفرنامه، مناظره، شعر، . . . در روزنامه "بخارای شریف" مهم ترین مسایل اجتماعی را مطرح نمودند و مردم را به هوشیاری و آگاهی فرا خواندند. بخارا نویسان با زبان قلم و سلاح دانش در پی آن بودند که ملت و کشور خود را از بند نادانی، تحجر، خرافه و عقب ماندگی برهاندند و دریچه تازه ای به روی جوانان بخارا به جهان نو بکشایند و آنها را با تمدن جهان آشنا بسازند و بدون نسخه‌برداری از اینجا و آنجا، برای درد های جامعه راه علاج بیابند.

امیر بخارا و دیگر دولت مردان غرق در فساد و عیاشی به مصلحت اندیشی اصلاح طلبان گوش فرا ندادند و در راه پیشرفت و بالندگی کشور کمر همت نه بستند و نه تنها به آرمان‌های ترقی خواهانه آنها مساعدت نکردند، بلکه به آنها فشار نیز وارد کردند، عرصه را بر آنها تنگتر نمودند زیرا آنها پیشنهادهای خیرخواهانه و اصلاح طلبانه روشنفکران بخارا را خطری جدی برای دستگاه خود می‌دانستند.

روزنامه "بخارای شریف" اولین تجربه روزنامه نگاری به زبان فارسی از طرف بخارائیان ابود. گردانندگان روزنامه سعی کردند که زبان گفتاری و نوشتاری را به هم نزدیک بسازند و در همین راستا، در بسیاری موارد، برای بیان افکار خویش از زبان عامیانه بهره می‌گرفتند. به طور کل، نثر روان و قابل فهم و بیان افکار به زبان ساده، زمینه نفوذ روزنامه را نه تنها در میان گروههای روشنفکری افزایش داد بلکه میزان تاثیر گذاری آن را در میان لایه های کم سواد جامعه بالا برد. نقش روزنامه در تحول نثر فارسی در قلمرو بخارا با اهمیت است. نثر روزنامه عفت کلام، حرمت و عزت قلم را نگه داشته و از به کار بردن عبارات مستهجن دوری نموده و به طور کلی از تحریک و تهدید، اتهام و افترا، زخم زبان و استهزا پرهیز نمود.

از توقیف روزنامه بخارای شریف بیش از نه دهه می گذرد؛ اما شگفتا، بسیاری از اندیشه‌ها، دیدگاه‌ها و مسایلی که در صفحه‌های روزنامه طرح شده بود، هنوز با قوت مطرح است.

مجموعه تقریبا کامل روزنامه‌ی بخارای شریف در بایگانی پژوهشکده بین‌المللی تاریخ اجتماعی نگهداری می شود و برای پژوهشگران و علاقمندان قابل دسترسی است.

Call Number: ZF 65850

متن از: ن. کاویانی

1. بخارای شریف، شماره ۱۵، ۱۹۱۲
2. *تربیه اطفال*، جمعیت مخفی بود که در سال ۱۹۱۰، به منظور تاسیس و گسترش مکتب‌های *اصول* جدید تشکیل شد. امیر وقتی که بخارا این مکتب‌ها را بست، اما جمعیت *تربیه اطفال* مکتب‌های پنهانی بازکرد و جوانان را برای تحصیل به کشورهای دیگر فرستاد.
3. عدیل خالد، *سیاست ریفورم فرهنگی مسلمانان (جدیدبسم در آسیای مرکزی)*، کراچی، دانشگاه اکسفورد، ۲۰۰۰، ص ۱۱۰
4. *اصول جدید*، شیوه جدید آموزش در مکتب‌های آسیای میانه و قفقاز بود که در آن علاوه بر مضامین دینی، علوم دیگر از جمله جغرافیا، تاریخ، علوم طبیعی برای شاگردان تدریس می شد.
5. بخارای شریف، شماره ۳۲، ۱۹۱۲
6. دوران عاشور اف، *فرهنگ روزنامه ها و مجله های تاجیکستان*، پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی، فارسی (سیرلیک)، دوشنبه، ۱۹۹۹، ص ۲۱
7. ی. عمانف و د. دوران اف، *تاریخ مطبوعات تاجیک*، فارسی (سیرلیک)، دوشنبه، ۱۹۹۷، ص ۳۷
8. *دایرة المعارف شوروی و صنعت تاجیک*، دوشنبه، ۱۹۸۹، ج ۲، ص ۳۱۶ و *دایرة المعارف شوروی تاجیک*، دوشنبه، ۱۹۷۸، جلد دوم، ص ۵۵۷ - ۵۵۸، هر دو به زبان تاجیکی (فارسی) با حروف سیرلیک